

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روز: شنبه

مصادف با: ۴ شعبان المعظم ۱۴۳۶

ادامه بررسی ثمره ششم

بیان شد بسیاری از فقهاء و اصولیون فساد ضد عبادی را از ثمرات مبحث ضد دانسته اند ولی بعضی از آنها مانند شیخ بهایی، محقق نائینی، محقق اصفهانی، امام و محقق خویی «رحمة الله علیهم اجمعین»، ثمره بودن آن را برای مسأله ضد قبول نداشته و هر کدام در جهت عدم پذیرش آن شیوه خاصی را در پیش گرفته اند.

بحث در نقد کلام شیخ بهایی «رحمة الله علیه» بود که بیان شد بسیاری از علماء در صدد پاسخ از ایشان بر آمده اند. پاسخ چهارم یعنی مسأله ترتب به بیان محقق خراسانی گذشت و بیان شد بررسی صحت و سقم این پاسخ مبتنی بر آن است که روشن شود آیا مسأله ترتب به بیان مذکور، امری ممکن بوده و محذور عقلی ندارد و یا امری غیر ممکن بوده و استحاله عقلی دارد؟

بحث در ادله قائلین به استحاله ترتب بود که بیان شد محقق خراسانی «رحمة الله علیه» که از جمله قائلین به استحاله ترتب می باشد. دلیل اول ایشان یعنی مسأله مطارده به همراه نقد و بررسی آن بیان گردید. در ادامه به بیان دلیل دوم ایشان و نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت.

بیان دلیل دوم محقق خراسانی «رحمة الله علیه»

ایشان می فرمایند: «لازمه قول به ترتب این است که اگر مکلف با هر دو امر اهم و مهم، مخالفت نماید، مستحق عقوبت باشد، چون قائل به ترتب، امر به اهم و امر به مهم را بعد از مخالفت امر به اهم، فعلی می داند و از طرفی زمانی یک شخص مستحق دو بار عقوبت خواهد بود که بتواند دو منشأ عقاب را از میان ببرد ولی به اختیار خود چنین نکند، در حالی که در ما نحن فیه مکلف توان انجام این دو ضد یعنی ازاله نجاست و صلاة را در زمان واحد ندارد، لذا اگر بر ترک هر دو عقاب شود، عقاب بر امری است که از قدرت مکلف خارج می باشد و این محال است. بنا بر این باید از استحقاق دو عقاب دست برداشته شود و تنها یک عقاب ثابت گردد و آن عقاب بر ترک اهم است و این به معنای انکار ترتب و انکار فعلیت امر به مهم پس از مخالفت با امر اهم، می باشد».

نقد دلیل دوم

محقق خویی «رحمة الله علیه» در مقام پاسخ از این دلیل می فرماید: «اینکه فرمودید قول به ترتب مستلزم این است که مکلف در صورت ترک اهم و مهم، استحقاق دو عقاب داشته باشد، سخن درستی است ولی تعدد عقاب مکلف در صورت مخالفت با هر دو امر، از نوع عقاب بر غیر مقدور نیست، زیرا آنچه تحت قدرت مکلف نیست، جمع بین اهم و مهم در یک زمان است، لذا اگر شارع مقدس مکلف را به دلیل انجام ندادن اهم در کنار مهم و یا انجام ندادن مهم در کنار اهم عقاب نماید، عقاب بر غیر مقدور است ولی اگر او را به دلیل انجام ندادن اهم و همچنین ترک مهم، دو عقاب نماید، عقاب بر غیر مقدور نیست، چون مکلف بعد از مخالفت با اهم، هم قدرت بر اتیان اهم دارد و هم قدرت بر اتیان مهم و نهایتاً قدرت بر هر یک از آن دو، به صورت لولائیه خواهد بود و لذا ترک هر کدام استحقاق عقوبت جداگانه ای

۱- ایشان در کفایة الاصول، صفحه ۱۳۵ می فرمایند: «ثم إنه لا أظن أن يلتزم القائل بالترتب بما هو لازمه من الاستحقاق في صورة مخالفة الأمرين لعقوبتين ضرورة قبح العقاب على ما لا يقدر عليه العبد و لذا كان سيدنا الأستاذ قدس سره لا يلتزم به على ما هو ببالي و كنا نورد به على الترتب و كان بصدد تصحيحه».

را برای مکلف رقم می زند و قول به ترتب، همین استحقاق دو عقاب بر جمع بین دو ترک را مستلزم است، نه استحقاق عقاب بر ترک جمع بین مهم و اهم را که مقدور مکلف نیست^۱.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين»

۱- ایشان در محاضرات فی اصول الفقه، جلد ۳، صفحه ۱۴۲ بعد از تقریب دلیل فوق، در مقام نقد آن بر آمده و می فرمایند: «و غیر خفي ما فيه من الخلط بين ان يكون العقاب على ترك الجمع بين الواجبين - أعني بهما الواجب الأهم والمهم - و ان يكون العقاب على الجمع في الترك بمعنى انه يعاقب على ترك كل منهما في حال ترك الآخر، فان المستحيل انما هو العقاب على الأول، حيث ان الجمع بينهما من جهة تضادهما في الخارج غير ممكن و خارج عن قدرة المكلف و اختياره، فالعقاب على تركه لا محالة يكون عقاباً على امر غير مقدور و هو محال، إلا ان القائل بالترتب لا يقول باستحقاق العقاب على ذلك ليقال انه محال، فان القائل به إنما يقول باستحقاق العقاب على الفرض الثاني - و هو الجمع بين تركي الأهم و المهم خارجاً - و هو مقدور للمكلف، فلا يكون العقاب عليه عقاباً على غير مقدور».